

فاجعه ۷ تیر

از زبان

حجة الاسلام فردوسی پور

نایب‌الدوله مجلس شورای اسلامی و نماینده مجلس خبرگان



آب در سایه، زیرا این به ضرر جمهوری اسلامی است، تا می‌توانید او را ارشاد و هدایت کنید، اما بالاخره کار به آنجا رسید که ارشاد و هدایت نتایج‌های نتخستید و این مرد خودخواه و می‌توانیم بگوئیم عامل خودفروخته به خارج، تصمیم گرفت که بوسیله عوامل و ابادی آمریکا، انقلاب ما را از خط‌اصل خودش منحرف کند، لذا تصمیم مجلس بر این شد که در باره او رأی به عدم اعتماد بدهد و اسامی او را از مقام فرماندهی کل قوا عزل کردند.

بعد از فرمان امام مبنی بر عزل بنی‌صدر و بعد از رای مجلس به عدم کفایت سیاسی او و تأیید امام و برکنار شدن بنی‌صدر، آمریکا به بن بست رسید و دید از طریق عوامل و ابادی سیاسی در داخل ایران کاری را از پیش نمی‌برد، از این رو دستور جنگ مسلحانه صادر شد، و به گروهکها فرمان داد که در روز سی خرداد به جان‌حزب‌الله و انقلابیون مسلمان بیافتنند و درگیری‌های خیابانی درست کنند و ترورها و انفجار بوجود بیاورند، و شخصیت‌های ما را از بین ببرند.

بعد از این جریان می‌بینیم، اولین انفجار در روز پنجم تیر ماه، در جلسه سخنرانی حجه الاسلام آقای خامنه‌ای بوجود می‌آید، که ایشان سخت مجروح و منتقل به بیمارستان می‌شوند. بعد از آن بانک نوطه، خائنه‌ای که بنی‌صدر و دیگر گروهکها در رأس آنها منافقین و ابرقدرتها در آن دست داشتند، در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، انفجار عظیمی بوجود می‌آید.

کند. بعد از آنکه دانشجویان مسلمان پیرو عظامام دومین انقلاب عظیم را در ایران بوجود آوردند و لانه جاسوسی شیطان بزرگ را اشغال کردند و سبلی معکمی به آمریکا زدند، آمریکا به این نتیجه رسید که از طریق این عوامل و این جاسوسان نمی‌تواند انقلاب را به انحراف بکشاند، لذا دست به کار نوطه‌های دیگری شد از قبیل حمله مستقیم نظامی به بیابان طیس، و بعد از شکست در این حمله، مستقیم به تحریرنگار صدام و تحمیل جنگ بر ما پرداخت، و در این جنگ هم چون تا کام از آب درآمد، از طریق عاملی که اگر با سو، بنیت بنگریم، می‌توانیم بگوئیم آمریکا مدت هفتده سال این عامل را در خارج از کشور (در فرانسه) تربیت کرده بود برای چنین روزی که بغض بعد از شاه و بعد از بختیار را در ایران به نفع آمریکا بتواند بخواهی بازی کند، و با اگر با حسن نیت بنگریم و بگوئیم این مدتی که در خارج بوده تحت تربیت مستقیم آنان نبوده، ولی بوسیله خودخواهی‌ها و خودبینی‌هایی که در این فرد بود، در دامن ضد انقلاب و منافقین و گروهکها و در نتیجه عوامل آمریکایی غلطید بنی‌آمریکا از طریق این فرد خائن یعنی بنی‌صدر تصمیم داشت که انقلاب ما را به انحراف بکشاند، امام در رابطه با این مسئله کوشش‌شان بر این بود که بنی‌صدر را از طریق ارشاد و هدایت و نصیحت به راه انقلاب و حفظ اسلام و انقلاب بکشاند و او را راهنمایی کند، لذا همیشه تذکر می‌دادند که مسن نمی‌خواهم اولین رئیس جمهوریمان بعد از

بسم الله الرحمن الرحيم

لطفاً شما به عنوان یکی از بازماندگان و مجروحین حادثه جان خراش هفت تیر ترسیمی از کیفیت وقوع حادثه و شهادت یاران و نجات خودتان را ارائه فرمائید.

بسم الله الرحمن الرحيم، بنا درود و سلام به پیشگاه مقدس ولی عصر امام زمان علیه الصلاه و السلام - و ثابت برحقش رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، و با درود و سلام فراوان به شهدای انقلاب اسلامی ایران بخصوص شهدای هفت تیر، و با درود و سلام به رزمندگان حبه‌های جنگ و امت شهیدپرور ایران و ضمن تشکر از برادران محترم محله پاسدار اسلام که این مصاحبه را ترتیب دادند، و با تشکر از امت حزب الله که این انقلاب اسلامی را با جان و مال خود پاس می‌دارند.

لازم می‌دانم برای ترسیم حادثه و واقعه دلخراش و جانگداز هفت تیر مقداری به عقب برگردم و از اوضاع سیاسی آن روز تحلیل مختصری داشته باشم تا ضمایع عوامل و علل این حادثه کاملاً روشن شود و سپس ترسیمی از اصل حادثه به عرضتان برسانم.

موقعیت انقلاب قبل از حادثه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آمریکا از نظر سیاسی امیدوار بود که بتواند انقلاب ما را بوسیله جاسوسها و اشخاصی که در داخل دولت موقت داشت منحرفی

چگونگی وقوع انفجار

اما ترسیم اصل واقعه دلخراش هفت تیر به این کیفیت بود که هر هفته، شبهای دوشنبه جلسهای بود در دفتر مرکزی حزب و شخصتهای مختلف، نمایندگان، وزرا، قضات عالی مرتبه، حزب اللهی و آیتالله شهید مظلوم دکتر بهشتی در این جلسه شرکت می کردند. و هدف از تشکیل این جلسه - در واقع - بررسی مشکلات کشور و رسیدن به راه حل برای مشکلات مملکت بود و همچنین بررسی طرحها و لوایحی که در مجلس مطرح می شود.

این جلسه معمولاً پس از نماز مغرب و عشاء تشکیل می شد، و آن شب هم نماز خواننده شد و اعلام شد که چون موضوع مهمی در دستور جلسه قرار گرفته، برادران زودتر در جلسه شرکت کنند همه حاضر شدند، و بنظر من در آن شب افراد شرکت کننده از هر شب بیشتر بودند. جلسه مطو از جمعیت بود بنحوی که یک صندلی خالی دیده نمی شد. موضوعی که قبلاً برای جلسه تعیین شده بود عوض شد، و بنا شد که در باره مقام ریاست جمهوری و شخص رئیس جمهور بحث شود. به این معنی که آیا در این دوره - دومین دوره - ریاست جمهوری - امام بار نظرتان بر این است که روحانسی نباید رئیس جمهوری باشد، یا اجاره می دهند که باشد، و اگر اجازه دادند آیا آن روحانی که لیاقت و شایستگی این مقام را دارد از بین آقایان، کدام شخصیت است؟ و اگر اجازه ندادند، باراز بین غیرروحانیین مقام شایسته ریاست جمهوری کدام شخصیت است؟

بعد از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید و اعلام موضوع جلسه، برای عوض شدن موضوع جلسه رای گیری شد و همه به اتفاق رای دادند که موضوع عوض نشود و گفتند: حالا که بنا است در این باره بحث کنیم، آن کسی که لیاقت دارد این موضوع را در جلسه مطرح کند و بررسی نماید، قهراً شخص آیت الله دکتر بهشتی اند.

ایشان تشریف بردند پشت تریبون و ناظم جلسه هم شهید استکی، در کنار ایشان نشسته بود، جلسه هم پر بود از شخصتها، شهید بهشتی شروع کردند به صحبت کردن و طرح موضوع بحث. من فکر می کنم فقط موضوع جلسه را ایشان مطرح کردند که آیا صلاح هست روحانی مقام ریاست جمهوری را بدست بگیرد یا صلاح نیست؟ آیا امام اجازه می دهند یا اجازه نمی دهند؟ و در صورتی که صلاح باشد و امام اجازه بدهند چه شخصیتی باید این مقام را بدست بگیرد؟



راهی برای نفوذ به داخل این سالن نداشتند که از کجا برای نجات افراد وارد شوند؟ از کجا راه باز کنند؟ تا بالاخره من صدای مته را شنیدم که گذاشتند روی سقف به خیال اینکه سقف، سقفی است بتونی و یا مته باید آن را برید و بلند کرد. بعد افراد را در آورد. اول من حساب می کردم ممکن است که در حدود یک ساعت و نیم، دو ساعت ما زیر سقف صبر کنیم و هوا بقدر کافی وجود داشت، اما به محض اینکه شروع کردند با مته سقف را ببرند، چون سقف یک سقف قدیمی و سبون آهن و آجر نیز قدیمی بود، حتی آجر مربع و چهار گوش و گلهای کهنه و قدیمی که رویشرا اسفالت کرده بودند - یک چنین سقفی نبود - ناگهان غبار سیار غلیظی داخل سالن شد که من احساس کردم طرف چند دقیقه ممکن است ما خفه شویم و از بین برویم.

در این هنگام یک مرتبه، دیدم گوشه یک آجری از داخل سقف بیرون آمد، من گوشه آجر را گرفتم کشیدم، پشت سر این آجر چند آجر دیگر افتاد و یک روزنه ای باز شد. برادرهایی که بالای سقف با پشت سقف بودند این روزنه را دیدند فوراً آمدند راهی باز کردند، کسی که پهلوی من بسود (آقای تاج گردان) ایشان را بیرون آوردند من نفر دوم بودم، بعد از من آقای محمودی را بیرون آوردند، در همان حال من شنیدم که شهید دکتر ذی القعدة پشت سرم با فاصله یک ردیف صندلی نشسته بود، فریاد می زد:

در اینجا نکته ای یاد می آید که البته خیلی برام روشن نیست، و آن این است که: ایشان سخن را قطع کرد و فرمود: چهها! بوی بهشت می آید، شما هم می فهمید بوی بهشت را؟ فاصله ای نشد، بلافاصله من احساس کردم که زیر آوار هستم و سقف روی سر اعضای جلسه قرار گرفته است؛ یک طرف که دیوار بود فرو ریخته بود، یک طرف هم که ستونهایی بود، ستونها در رفته و دیوار شیشه ای هم شکسته بود، و سقف هم روی سر اعضای جلسه بود. کسانی که جلو بودند بر اثر موج انفجار در همان لحظه اول به شهادت رسیدند، خود آیت الله شهید مظلوم بهشتی قطعه قطعه شده بود، شهید استکی به صندلی پیچیده شده بسود، ردیفهای اول و دوم و سوم جلو شهید شده بودند، اما به محض اینکه من به خود آمدم که زیر آوار هستم و دیدم که سرم شکسته و از سرم خون جاری است، مثل اینکه نور - افکن انداخته باشند از یک گوشه - این ساختمان زیر سقف، تمام زیر سقف برای من نورانی و روشن بود و من چون عقب سائن نشسته بودم، تا نصف سائن را کاملاً می دیدم و مشاهده می کردم که نصف افراد رنده هستند و مشغول دگرند، تکبیر میگویند لا اله الا الله میگویند، آیه الکرسی می خوانند، و خلاصه مشغول راز و نیاز با پروردگار خویش می باشند.

در این بین، افرادی که برای نجات ما آمده بودند، روی سقف راه می رفتند و لسی



علیه رهبر حرفی برزند، لذا به چهره‌های بعد از امام می‌چسبند و می‌خواهند آنها را لکه دار کنند و در نتیجه از طریق لکه دار کردن آنان و کوبیدن و ترور شخصیت آنها، انقلاب را در واقع ترور کنند و منحرف نمایند. آنها خیال می‌کردند که با ایجاد این حادثه، انقلاب بکلی از بین می‌رود و نظام منقلب می‌شود و خبرگزارها وقتی این جریان را مشاهده کنند، و این حادثه بگوش امام برسد، انعکاس آن بنفع ضد انقلاب خواهد بود!! اما با حضور ملت شهید پرور ما در صحنه انقلاب با آن روحیه و با آن شعارهایی که همه مشاهده کردند، این حادثه در واقع به منزله حادثه کربلا بود برای اسلام و جمهوری اسلامی، همچنانکه در زمان امام حسین (ع) بزیب می‌خواست اسلام و آثار اسلام و آثار پیامبر اسلام را از بین ببرد و نسل آن بزرگوار را محو و نابود کند، ولی با شهادت ۷۲ تن در کربلا و شهادت امام عبدالله الحسین - علیه السلام - انقلاب اسلامی که به دست پیامبر اکرم (ص) پایه ریزی شده بود، این انقلاب نداوم پیدا کرد و در واقع این شهادت علت سقیه اسلام شد در جهان.

اما اثری که برای ضد انقلاب داشت این بود که آنها با این حادثه آزمایش کردند ملت ایران را و فهمیدند که این انقلاب بستگی به شخص ندارد بلکه بستگی به اشخاص هم ندارد، زیرا این انقلاب وابسته به چهل میلیون جمعیت است بدلیل آنکه اگر یک حادثه‌ای پیش آمد، همه در صحنه حاضرند. بنا براین معارضه با این انقلاب بوسیله معارضه با یک عده صد نفری یا صد و پنجاه نفری ممکن و میسر نیست، بلکه معارضه با این انقلاب معارضه با چهل میلیون جمعیت است و لذا تا آن روز اگر توطئه‌ها و نقشه‌های شومی برای انقلاب داشته‌اند از نظر انفجارهای دسته جمعی و عمومی و ترورهای اشخاص، از آن روز به بعد برنامه‌ها و توطئه‌های خودشان را عوض کردند و لذا ما باید از این پس کاملاً هشیار باشیم و انقلابمان را از گردن دشمنان نگهداری کنیم.

در خاتمه لازم می‌دانم از تمام اعضا و برادرانی که دست اندر کار مجله پاسدار اسلام هستند و زحمت می‌کشند تشکر کنم و همچنین تشکر کنم از خوانندگان محترمی که با صبر و حوصله این مصاحبه را مطالعه می‌کنند. والسلام

با توجه به موقعیت و جوی که در آن روز بوجود آمده بود و بنی صدر با همکاری منافق درجه ۱ رجوی و پیروانش درست کرده بودند بر علیه چهره‌های درخشان انقلاب ما چهره‌هایی که بعد از امام بسیار ارزشمند و کمی قیمت بودند، با توجه به آن حس می‌توانیم آثار مثبت این حادثه و جریان را برای انقلاب و جمهوری اسلامی کاملاً مستور درک کنیم و برای اینکه در آن روز جوی را که منافقین بوجود آورده بودند و شعارهایی که در شهرها و محله‌ها پخش می‌شدند و میدادند و تحریکاتی که ایجاد می‌نمودند، گساری می‌کردند که چهره‌هایی مانند شهید بهشتی و حجه الاسلام خاتمی و حجه الاسلام هاشمی در جامعه ما مورد سوء ظن قرار گیرند و از این طریق انقلاب ما را منحرف کنند و تضعیف نمایند، کما اینکه در یک جریان در خراسان عده‌ای بر علیه این سه شخصیتی که نام مردم شعار داده بودند و در یک ملاقاتی که من با امام داشتم، امام فرمودند:

"اینها که علیه بهشتی و خاتمی و هاشمی شعار می‌دهند نظرشان به این سه نفر نیست، نظرشان من هستم، بلکه من هم نظر آنها نیستم، نظر آنها اسلام است."

۷ تیر، علت سقیه انقلاب

آری! آنها با انقلاب اسلامی مخالفند ولی چون نمی‌توانند علیه انقلاب اسلامی،

کمک! کمک! آخرین جمله‌ای که گفت این بود: کسی به داد ما نمی‌رسد. ما را که از آنجا بیرون آوردند، من گفتم: اینجا آقای محمودی بود دیگران هستند آنها را هم بیرون بیاورید ولی مثل اینکه با نتوانسته بودند، با آن راهی که برای نجات باز شده بود بر اثر ریزش سقف دو-باره مسدود شده بود، و بنظر من عده‌ای از افرادی که زنده بودند بر اثر نبودن هوا دچار خفگی شده و شهید شدند و با... و در نتیجه حدود ۷۳ نفر در این حادثه شربت شهادت نوشیدند که در این ایسن ۷۳ نفر شهید مظلوم آیه الله دکتر بهشتی و شهید حجه الاسلام محمد منتظری بودند که دو نیروی بسیار عظیم برای انقلابمان به شمار می‌آمدند. عده‌ای هم مجروح شدند و به بیمارستان انتقال یافتند و در بیمارستان معالجه شدند. البته بعضی چشمان بعضی پایتان از بین رفت، برخی جراحات دیگری داشتند که هنوز هم بهبودی نیافته و مدت معالجه‌شان خیلی طولانی شد و عده‌ای هم بعد از معالجه حالشان - بحمدالله خوب شد.

آثار مثبت و منفی حادثه

- آثار مثبت و منفی این حادثه جانخوارش را برای جمهوری اسلامی و برای ضد انقلاب بهمان فرمائید.